



مهدی به عنوان مظهر انسان کامل، عالی‌ترین نوع مدیریت را عرضه می‌کند نقطه نقل مدیریت کامله آن حضرت (عدالت تمام عیار) است. عدالت معانی متنوعی دارد. (میانه روی در امور) مساوات و عدم تبعیض، عدم ارتکاب کبیره و عدم اصرار بر صغیره، نهادن هر چیزی در جای خود، دادن حق هر ذیحق، برابری اجتماعی (قسط) رعایت مفاسد و مصالح در قانون‌گذاری، نقطه تعادل تمامی فضائل، تناسب و توازن و... و نیز وظائف مدیریت عبارتند از (سازماندهی) برنامه ریزی، نظارت رهبری و انگیزش.

در این مقاله سعی شده است برای تبیین مدل (مدیریت عادلانه مهدوی) وظایف پنج گانه مدیریت را با احتساب مفاهیم متنوع عدالت، ترکیب و تحلیل شود و اثبات گردد که در همه ابعاد فردی و اجتماعی، اخلاقی و سازمانی، درونی و بیرونی، اقتصادی و سیاسی، مادی و معنوی، مدیریت آن حضرت عدالت محور بوده است، معیارهایی مانند شایسته سالاری، فراوانی اقتصادی، امنیت، آبادانی، معنویت، پیشرفت، خدمت، عدم ظلم و ستم، بسط علم و آگاهی، رشد و تعالی همه جانبه توسعه چند بعدی و... در سایه ترکیب عالی عدالت و مدیریت در حکومت آن حضرت پدید می‌آید.

در این نوشتار از باب تیمن به چهل حدیث از احادیث مدیریتی آن حضرت استناد شده است که خود یک نوع از اربعینیات محسوب می‌شود. به امید تحقق زود هنگام آن مدیریت و آن عدالت.

طبق وعده‌های وحیانی و معصومانه، مدینه فاضله مهدوی سرانجام تشکیل خواهد شد و انتظار بشریت به پایان می‌رسد. البته «مدینه المهدی» به نوعی تکرار یا تلاوم «مدینه النبی» است. پس مدینه فاضله مصداقی در گذشته و آینده دارد. برای اطلاع از «مدینه در پیش» می‌توان نگاهی به «مدینه در پس» انلاخت؛ نسخه برابر اصل است؛ دو بانی و معمار هم نام و همراه هم کنیه، با یک عمامه و زره و شمشیر و اسب و قرآن و برنامه، یکی خاتم‌الانبیاء و دیگری خاتم‌الاولیاء، یکی صاحب «ولایة کلیة بالاصالة» و دیگری «صاحب ولایة کلیة بالتبعیة»، یکی «مشبه» و دیگری «مشبه به»، با وجود شباهت فراوان که در اخبار آمده است. تنها تفاوت در «کمیت» است؛ در «کیفیت» همه چیز مثل و مانند هم است. تفاوت در زمان و مکان و اندازه است. درست مثل عکس که بزرگ می‌شود. کیفیت یک عکس (۳۰ در ۴۰) همان کیفیت عکس (۳ در ۴) است، بزرگ شده است با رعایت همه اصول و قواعد و غیره. اگر بخواهی بنانی مهدی (ع) چه می‌کند بین نبی (ص) چه کرده است.

اما برای اطلاع از مدینه آینده، علاوه بر نمونه تاریخی نبوی، انبوهی از اطلاعات وحیانی و معصوم هم به شکل پیش گوئی و پیش بینی، در اختیار منتظران است. از خلال این اخبار آسمانی، چشم انداز مدینه فاضله مهدی روشن می‌شود.

بنابراین شبکه اطلاع رسانی وحی و عصمت، آنچه را شوق‌انگیز و امیدآفرین است در دسترس تشنگان عدالت مهدی قرار داده است. اطلاع از آن هندسه عدالت و امنیت و سلامت و رفاه و علم، بشر را از وضع موجود بیزار و با شتاب به آن افق موافق سوق و شوق می‌دهد مگر نه اینکه شب عاشورا، سیدالشهدا (ع) با انگشت پرده از غیب برداشت و مساکن طیبه هریک از یاران را نشان داد و آن شد که فردا در میدان کربلا هیچ کس را هوای ماندن در دنیا نبود و مسابقه شهادت و پرواز همه را گرفته بود.

آیا می‌توان از «مدیریت مهدوی» و از «عدالت مهدوی» به گونه‌ای پرده برداشت که تندیس مقدس آن مدینه «امن و سلام» و «عدل و عقل» و... بی حجاب رخ بنماید و همگان را واله و حیران نماید؟ امری صعب و مشکل است. البته در فاصله دو مدینه، غدیر و عاشورا و انقلاب اسلامی را داریم که هرکنام رنگی و آهنگی از مدینه المهدی را دارند.

در این نوشتار، «مدیریت» و «عدالت» واژگان اساسی هستند که

مدیریت، عدالت، مهدویت

سیدمصباح‌الدین قوامی

ارتباطشان با هم و سپس با مهدویت مورد بحث است. گویا «مدیریت عادلانه» رادنیال می‌کنیم و شاید «عنصر عدالت در مدیریت مهدوی» را بی می‌جوئیم. اما چرا عدالت؟ مگر نه اینکه گلوآژه و بیت الغزل قیام آن حضرت عدالت است؟ منتظران مگر ترانه و ترنم نمی‌کنند که (جهان در انتظار عدالت و عدالت در انتظار مهدی) آیا مولای ما را «عدل منظر» یا «عدل مشتهر» نمی‌نامند؟ معصوم چه فرموده و سروده است؟ آیا غیر از اینکه (با او زمین پر از عدل و داد می‌شود، بعد از آنکه پر از ظلم و جور بود)؟ آری، «عدالت» اصلی‌ترین گمشده بشریت و اکسیر اعظم و کبریت احمر است. با تحقق آن، امنیت و سلامت و علم و تربیت و همه نیازهای تاریخی دیرینه بشر تأمین می‌گردد.

عدالت چیست؟

دادن حق هر ذی حق؛

نهادن هر چیزی در جای خود؛

موزون بودن (تعادل و تناسب و توازن)؛

میانه روی بین افراط و تفریط (اعتدال)؛

تساوی و نفی هرگونه تبعیض (تفاوت قائل نشدن بین افراد)؛

رعایت استحقاق در افاضه وجود (عدل در تکوین)؛

عدم ارتکاب کبیره و عدم اصرار بر صغیره (عدالت فردی و فقهی)؛

برابری اجتماعی (قسط، عدالت اجتماعی و قضایی و سیاسی و اقتصادی)؛

رعایت مفاسد و مصالح در قانون گذاری (عدل در تشریح)؛

نقطه تعادل و تلاقی تمام فضائل (مثلا عفت، شجاعت و حکمت که

اواسط اخلاقی هستند، قدر جامعه به نام عدالت دارند) (نظریه عدالت ارسطو).

این منظومه‌ای از عدالت آفاقی و انفسی تکوینی و تشریحی، فردی و

اجتماعی، اخلاقی و اعتقادی است. نقل جمع بندی استاد شهید مطهری در

مفهوم عدالت جالب است: (۱) عدالت آنجا که به توحید یا معاد مربوط می‌شود،

به هستی و آفرینش شکل خاص می‌دهد و نوعی جهان بینی است. آنجا که

به نبوت و تشریح و قانون مربوط می‌شود، یک مقیاس و معیار قانون شناسی

است... آنجا که به (امامت و رهبری مربوط می‌شود، یک شایستگی است. آنجا

که پای اخلاق به میان می‌آید، آرمانی انسانی است و آنجا که به اجتماع کشید،

یک مسئولیت است).

امام خمینی (ره) می‌فرماید:

اسلام خدایش عادل است، پیغمبرش هم عادل است، معصوم و امامش

هم عادل است، قاضی اش هم معتبر است که عادل باشد، فقیهش هم معتبر

است که عادل باشد شاهد طلاقش هم معتبر است که عادل باشد، امام

جماعتش هم معتبر است که عادل باشد اما جمعه‌اش هم باید عادل باشد از

ذات مقدس کبریا گرفته تا آن آخر زمامدار باید عادل باشد، ولایت آن هم باید

عادل باشند. (۲)

بنابراین امام عادل امامی است که حق هر ذی حقی را می‌دهد یا پایمال

نمی‌کند. هر فرد یا چیزی را در جای خود قرار می‌دهد. از لحاظ رفتاری و منش

و روش متوازن و متعادل است. از لحاظ نفسانی، گرد گناه نمی‌گردد. فضایل

را در خویش نهادینه کرده است. در اجتماع، اقامه قسط و برابری قضایی

سیاسی اجتماعی و اقتصادی می‌کند و به عبارتی، او هم قاضی عادل است،

هم زمامدار عادل و هم قانون گذار عادل. او عدالت را از خداوند اقتباس کرده

است که در اداره هستی و انسان به عدالت و رحمت تکیه دارد و همگان را به

عدل امر می‌کند.

«همانا خداوند به عدالت و احسان امر می‌کند». (۳)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همواره برای خدا قیام کنید و از روی

عدالت گواهی دهید دشمنی با جمعی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند.

عدالت کنید که به پرهیزگاری نزدیک‌تر است و از معصیت خدا بپرهیزید که

خداوند از آنچه انجام می‌دهید با خبر است». (۴)

از آنچه تا به حال گفته شد (عدالت در بینش، عدالت در روش و عدالت

در ارزش) نتیجه می‌شود در (اخلاق و احکام و عقائد)، عدالت شاه نکته است،

روح و جان است. بیهوده نیست که گفته شده «بالعدل قامت السموات و

الارض» (۵) و گزاف نیست که شیعه را عدلیه خوانده‌اند. گویا عدالت ممتاز

کننده‌ترین عنصر اندیشه شیعی از غیر آن است.

علل و موجبات عدل

موجبات عدل را می‌توان به سه عامل تقسیم کرد: بودن قوانین و مقررات

عدالانه، اجرا و تنفیذ آن‌ها علی السواء؛ شعور مردم به حقوق خود که «لا یدرک

الحق الا بالجد». (۶)

شاید علت اینکه در حکومت علوی که مظهر عدالت در رأس آن بود، امام

در محراب عبادت از شدت عدالت به شهادت رسید و مردم نیز نتوانستند او را

تحمل کنند، فقدان عامل سوم بود؛ یعنی عدم درک صحیح مردم نسبت به

حقوق خود؛ و الا از لحاظ قانون عدالانه و مجری عادل کمبودی نبود. اشکال

در ضلع سوم مثلث عدالت بوده است و تا این سه ضلع تکمیل نشود، عدالت

در حکومت و اجتماع تحقق نمی‌یابد و شاید علت تاخیر و طولانی ظهور

حکومت و مدیریت عدالانه این باشد که شعور مردم و آمادگی ادراکی آن‌ها

بالا رود و هم سنگ دو ضلع دیگر شود.

و اما «اجرای عدالت» که ماحصل «مثلث عدالت» است، نیاز به مدیریت

دارد؛ آن هم مدیریتی در سطح جهان با هر تنوع و تکثری که دارد.

مدیریت چیست؟

رهبری و مدیریت در عرف امروز با همه توسعه و شمولی که پیدا کرده

است، اگر بخواهیم مرادف و همانندی برای آن‌ها در مصطلحات اسلامی پیدا

کنیم، باید بگوییم ارشاد و رشد و یا هدایت و رشد قدرت رهبری همان قدرت

بر هدایت و ارشاد است در اصطلاحات اسلامی. (۷)

رشد عبارت است از شایستگی و لیاقت برای نگهداری و استفاده و بهره

برداری صحیح از وسائل و سرمایه‌های حیات. (۸)

با توجه به اینکه امامت مترادف رهبری است (در قیاس با نبوت که مترادف

راهنمایی است)، مدیریت یک امام همان قدرت بر ارشاد و هدایت و توانایی و

شایستگی نگهداری و استفاده و بهره برداری صحیح از وسائل و سرمایه‌های

حیات خواهد بود.

وظایف مدیریت

با همه اختلافاتی که در میان صاحبان نظریه مدیریت وجود دارد، می‌توان

پنج وظیفه را که بر آن نوعی اتفاق است بشماریم: سازماندهی، برنامه ریزی،

نظارت، هماهنگی (رهبری) و انگیزش. (۹)

انواع مدیریت

مدیریت بحران، مدیریت توسعه، مدیریت منابع انسانی و مدیریت بهره

برداری، از عمده‌ترین اقسام مدیریت است که در این تحقیق مورد اهتمام

خواهد بود. چرا که گنجایش یک مقاله بیش از این اجازه نمی‌دهد.

مدیریت عادلانه

بعد از آشنایی اجمالی با مفاهیم «عدالت» و «مدیریت»، اکنون به مفاد

ترکیبی آن دو می‌پردازیم، مراد چیست؟

باید گفت اگر بخواهیم مدیریت را نظر به همه افراد و انواع و به تفصیل

بحث کنیم امکان ندارد. لذا از زاویه عدالت به مدیریت می‌نگریم و در حقیقت،

از «اجرای عدالت» بحث می‌کنیم.

مدیریت عادلانه مهدوی

این محل نزاع است. امام مهدی (عج) امامی عادل است؛ یعنی از گناه به

دور است (به کمک عصمت)؛ انسانی کامل است؛ در کسب فضائل و رفق

ردایل، در درون خویش به تعادل رسیده است. حتی از لحاظ جسمی و ظاهری

متعادل و زیبا است. تمام خصوصیات جسمی و روحی او در اخبار به ما رسیده

است. (۱۰) همه حاکی از یک اعتدال و جذابیت است. بینش او مبتنی بر توحید

و عدل است. اراده او اعمال عدالت است. قانونی که در اختیار دارد قانونی

عدالانه است. (۱۱) همان قانون محمدی علوی است بدون کم و کاست.

مردمی که در زمان او هستند عدالت خواه و پشتیبان عدالت و آماده جهاد و

فداکاری برای تحقیق آن هستند. (۱۲) موانع راه عدالت یا زدوده شده و یا به

دست قدرت او برچیده می‌شوند و توان مقابله ندارند. (۱۳) مقتضی عدالت

موجود و مانع مقفود است. بحث در نحوه تحقق عدالت و مدیریت عدالت

است. چگونه این امام عادل، قانون عدالانه را برای مردم عدالت خواه، پیاده

می‌کند؟ به هر ذیحقی حق می‌دهد، هر چیزی را در جای خود می‌گذارد، مساوات

و توازن در جامعه پیاده می‌کند و...

این مقصود مقاله است. برای تنظیم این مطلب بر اساس وظیفه یک مدیر

سیر می‌کنیم و با توجه به اخبار در دست، هر وظیفه ناظر به عدالت را به بحث

می‌گذاریم.

سازماندهی

سازمان عبارت است از گروهی متشکل از دو یا چند تن که در محیطی با ساختار منظم و از پیش تعیین شده برای اهداف گروهی با یکدیگر همکاری می‌کنند هنگامی که مدیران منابع مادر را با تلاش افراد (دست کم دو نفر یا بیشتر) به منظور رسیدن به هدف‌ها ترکیب می‌کنند عمل سازماندهی انجام می‌شود. (۱۴)

در ذیل عنوان سازماندهی، مباحثی از قبیل ساختار سازمانی، اهداف ساختاری تقسیم کار، اختیار و مسئولیت و نیز بحث وحدت فرماندهی و بحث قدرت مطرح می‌شود که در این مقاله، به فراخور، اشاره‌ای به آن‌ها خواهد شد.

۱. سازمان آن حضرت طبق تعریف فوق، اولین عنصر سازمان افراد آن هستند.

وقتی که قائم آل محمد (ص) ظهور کند خداوند او را با ملائکه مسومین مردفین و منزلین و کروبین در حالی که جبرئیل جلوه، میکائیل از طرف راست و اسرافیل در طرف چپ اوست یاری می‌فرماید رعب آن حضرت به اندازه یک ماه از طرف چپ می‌رود و ملائکه مقربین، در پیش روی آن حضرت هستند. (۱۵)

۲. اصحاب قائم سبب و سبزه نفر از فرزندان عجم می‌باشد بعضی از ایشان را در روز یا آشنایی با نام خود به نام پلر و نسب و شمائل در ابر سوار می‌کنند و به مکه می‌برند و بعضی در رختخواب خود خوابیده، ناپهنگام در مکه دیده می‌شوند، بدون میعاد و سابقه قرار دارد. (۱۶)

۳. اولین کسی که با قائم (ع) بیعت می‌کند جبرئیل است و سپس فرشتگان و نجباء جن و آن گاه نزدیکان و یاران آن حضرت. (۱۷)

۴. مفضل از امام صادق (ع) پرسید: آقا من، آیا فرشتگان و جنیان هنگام ظهور مهدی برای مردم ظاهر می‌شوند؟ امام فرمود: به خدا سوگند آری و با مردم گفتگو خواهند کرد، آنچنان که با هم سخن می‌گویند مفضل گفت: آیا فرشتگان همراه با مهدی (ع) حرکت خواهند کرد؟ امام فرمود: آری، مابین کوفه و نجف فرود می‌آیند و تمنا دشان چهل و شش هزار فرشته و شش هزار جن است. (۱۸)

۵. وقتی قائم با اهل بیت (ع) قیام کند، به محله‌ای از کوفه می‌رود، به پای می‌ایستد و دست مبارکش به جایی اشاره می‌کند که بکنید آنجا را، حفر می‌نمایند. دوازده هزار شمشیر و دوازده هزار کلاه خود از آن جا خارج می‌کنند که به دوازده هزار از عجم و موالی (ایرانیان) می‌پوشانند. (۱۹)

۶. شیعیان ما در زمان سلطنت قائم (ع) بزرگان اهل زمین و حکام بر آن‌ها خواهند بود هر مردی از آن‌ها از جانب خداوند قوت چهل مرد داده می‌شود.

حضرت ابو جعفر (ع) فرمود: شیعیان، قبل از ظهور، مرعوب دشمنان ما هستند؛ اما وقتی امر ما واقع و مهدی آل محمد (ص) ظاهر شد، هر یک از شیعیان ما از شیر با جرأت‌تر و از نیزه برنده‌تر می‌شوند، دشمنان ما را لگد کوب می‌کنند و آن‌ها را با دست می‌کشند. (۲۰)

۷. گویا قائم را بر فراز تپه‌ای در کوفه می‌بینم که زره رسول خدا (ص) را پوشیده است و سوار بر اسبی سیاه است و چنان جنبش ایجاد می‌کند که ساکنان هر سرزمین او را در میان خود می‌بینند پرچم رسول الله را به اهتزاز در می‌آورد و هیچ مومنی باقی نمی‌ماند جز آن که دلش همچون آهن سخت خواهد شد و قدرت چهل مرد را پیدا خواهد کرد. سبزه هزار و سبب و سبزه همراه او (برای یاریش) خواهند بود؛ فرشتگانی که با نوح و کشتی بودند و با ابراهیم هنگامی که در آتش اناخته شد و نیز فرشتگانی که هنگام شکافته شدن دریا با موسی بودند و نیز آن‌ها که با عیسی هنگام عروج به آسمان بودند و چهار هزار فرشته‌ای که روز عاشورا به یاری حسین شتافتند امام حسین (ع) به آن‌ها اجازه جنگیدن نداد. تمام این فرشتگان در زمین منتظر قیام قائم (ع) هستند. (۲۱)

۸. چون قائم (عج) ظهور کند و داخل کوفه شود، خداوند از گورستان وادی السلام هفتاد هزار صدیق را زنده می‌کند که همگی از اصحاب و انصار او می‌شوند. شیخ مفید (ره) نیز در کتاب ارشاد روایت کرده است که بیست و هفت

نفر از قوم موسی و هفت نفر از اصحاب کهف و یوشع بن نون و سلمان و ابودجان و مقنن و مالک اشتر از انصار آن حضرت خواهند بود و فرمانروای کشورها می‌شوند. (۲۲)

۹. هرگاه قائم (عج) قیام کند خداوند به فرشتگان فرمان می‌دهد که بر مومنین سلام کنند و با آنان در نشست هایشان هم‌نشین شوند و هرگاه که یکی از مومنان نیاز و درخواستی (از حضرت) داشته باشد، قائم (عج) فرشته‌ای را به سراغ او می‌فرستد تا او را نزد قائم ببرد. سپس نیازش بر آورده می‌شود و مجدداً به محل کار خود برگردانده می‌شود. برخی مومنان در ابرها سیر می‌کنند و برخی شان با فرشتگان می‌پرند و برخی نیز با فرشتگان راه می‌روند؛ بعضی از مومنان از فرشتگان سبقت می‌گیرند و بعضی نیز مورد مراجعه فرشتگان برای تحاکم و قضاوت قرار می‌گیرند. در آن زمان مومن نزد خداوند از فرشتگان گرمی‌تر است و قائم (عج) بعضی از مومنان را حاکم و قاضی بین صدهزار فرشته قرار می‌دهد. (۲۳)

۱۰. یاران مهدی، مردانی هستند فولاد دل که همه وجودشان یقین به خدا است. مردانی سخت‌تر از صخره‌ها که اگر به کوه‌ها روی آورند، آن‌ها را از جای بر می‌کنند، درفش پیروزمند آن‌ها به هر شهر و پایتختی روی می‌نهد آنجا را به سقوط وا دارد. گویی آنان مردان عقابان تیز چنگند که بر مرکب‌ها سوار شده‌اند این شیرمردان پیروز و عقابان تیز چنگ برای تبرک و فرخندگی، دست خویش به زین اسب امام می‌کشند و بدین سان، تبرک می‌جویند آنان او را در میان می‌گیرند و جان خویش را در جنگ‌ها پناه او می‌سازند و هرچه اشاره کند با جان و دل انجام می‌دهند. (۲۴)

این اخبار از سازمان آن حضرت، یاران حضرتش و سازماندهی ویژه‌ای که در زمان ظهور تحقق می‌یابد خبر می‌دهند که نکات ذیل (مخصوصاً در رابطه با عدالت) از آن قابل برداشت است:

الف- یاران آن حضرت از همه ادیان و اقوام هستند: یهود، نصاری، اصحاب کهف، یوشع بن نون، سلمان، ابودجان و مقنن و مالک اشتر (طبق حدیث ۸) و نیز فرشتگان (مانند جبرئیل، میکائیل، اسرافیل) (حدیث ۴ و ۹) جنیان (حدیث ۴) ایرانیان (حدیث ۵) عجم (حدیث ۲) که شامل هر نژاد غیر عرب می‌شود و بسیاری از آن‌ها پرونده و نام و نشان دارند (حدیث ۲) و خیلی جاها و ملیتها و اقوام دیگر که از احادیث دیگر قابل برداشت است. این امر حاکی از یک نوع عدالت در سازماندهی است که آن حضرت نیروهای خویش را صرفاً از یک نژاد و قوم خاص پذیرش و گزینش نمی‌کند و به شایستگی توجه می‌کند و شایسته سالاری را اعمال می‌کند و «شایسته سالاری» معیاری مبتنی بر عدالت است که معیارهای خویشاوندگرای و رابطه‌گرایی و امثال ذلک را در گزینش کنار می‌زند.

سید محمد صبر در فصلی از کتاب ارزنده تاریخ ما بعد الظهور به بیان خصال یاران حضرت مهدی (ع) پرداخته است و تحلیلی در ذیل اخبار ارائه داده است که اخبار وارده را در بخش‌های ایمان، شجاعت، عبادت و میزان فرمانبری تقسیم کرده و نشان داده است که هیچ تبعیض و ترجیح بلا مرجح در سازمان انسانی آن حضرت، چه سازمان اداری، چه نظامی و... وجود ندارد. ما در این مقاله به این اخبار در بحث انگیزش خواهیم پرداخت. بنابراین عدالت در سازماندهی و گزینش یاران اولین قاعده استخراج شده مقال خواهد بود.

ب- اینکه در حدیث ۶ آمده است: (شیعیان ما در زمان سلطنت قائم بزرگان اهل زمین و حکام آن‌ها خواهند بود) منافاتی با شایسته سالاری ندارد و دال بر تبعیض و ترجیح بی مورد نیست؛ چرا که اولاً شیعیان شامل تمامی نژادها و قومیت‌ها و کشورها و زبان‌ها خواهد شد و منحصر به گروهی خاص نیستند. ثانیاً شیعیان کابینه اصلی و نیروهای کلیدی را تشکیل می‌دهند و از همه ساکنان ارض استفاده‌های به جای خود در سازمان حضرت مهدی (عج) خواهد شد.

ثالثاً علت دادن کلیدها و پست‌های اصلی به شیعیان، حقانیت و امتیازات معنوی و سابقه مبارزاتی (عقیدتی) آن‌ها است. آن‌ها منتظران واقعی بوده‌اند که در زمان طولانی غیبت کبری، به انتظار فرج به عنوان افضل اعمال دل

مشغول بوده‌اند و با ادعیه، صدقه، نماز، آمادگی و غیر ذلک ترجیحاتی را به دست آورده‌اند که دیگر یاران مهدی ممکن است چنین ویژگی نداشته باشند. شیعیان حکم حواریون و خصیصین را دارند و در حقیقت قاعد اصلی و کانون مرکزی سازمان حضرت هستند. ترجیح آنان با مرجع و عین عدالت است، لذا خداوند در قرآن می‌فرماید:

کسانی که قبل از پیروزی انفاق کردند و جنگیدند با کسانی که پس از پیروزی انفاق کردند یکسان نیستند. آن‌ها بلند مقام‌تر از کسانی هستند که بعد از فتح انفاق کردند و جنگیدند و خداوند به هر دو وعده نیک داد. و خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (۲۵)

عدم تساوی مجاهدان قبل از فتح (و ظهور) و بعد از آن، منافات با عدالت ندارد؛ بلکه تساوی آنان ضد عدالت است. مگر نه این که یکی از مبانی اهل عدالت (اعطای کل ذی حق حقه) می‌باشد؟ آیا حق سبقت و حق سابقه در جهاد، حق نیست؟ این را حق ترجیح نام می‌نهییم. در حکومت نبوی و علوی هم به صاحبان سابقه امتیازات بیشتری می‌دادند. (۲۶) آنچه به عدالت در عین عدم تساوی اشعار دارد، تاکید قرآن بر این است که هر دو گروه با سابقه و بی سابقه از طرف خداوند وعده نیک دریافت می‌دارند؛ هرچند در روایتی آمده که ایمان بعد از فتح نفعی ندارد. (۲۷)

ج- در روایات ما آمده که یاران مهدی (جان خویش را در جنگ‌ها پناه او می‌سازند).

این هم منافاتی با عدالت ندارد و ظلم و تبعیض محسوب نمی‌شوند. او خود طالب و مایل به حفظ جان خویش نیست؛ شمشیر او علامت جهاد و فداکاری اوست. این یاران مهدی هستند که حفظ او را حفظ اسلام و نظام می‌دانند چگونه می‌شود وجود مقدسی را که همواره در انتظارش بوده‌اند به دم تیغ بپسارند. سید محمد صدر معتقد است:

«شاید مقصود روایت این باشد که حفظ جان امام (ع) فعالیت و تلاشی است مستقل که یاران ایشان انجام می‌دهند» تا به جهت استفاده از علوم و تعالیم و دستوراتش برگردد وجود او حلقه زده و علاوه بر این، با ایثار و اخلاص تمام جان او را نیز حفظ نمایند... چون امام را مظهر تمام عیار عدل و کمال می‌بینند بدین سبب، در مقابل او، خضوع کامل دارند: «هم اطوع له من الامه لسیدها». (۲۸)

د- در حدیث ۱۰، برتری مومنان بر فرشتگان در سازمان مهدی (عج) طرح شده است و فرشتگان در خدمت یاران او هستند. این نیز بیانگر نوعی عدالت است؛ چرا که فرشتگان که گناه نمی‌کنند قدرت آن را ندارند ولی یاران مهدی (ع) که با وجود قدرت بر گناه و عصیان، این گونه مطیع و معصوم هستند، قطعا برترند هم چنین در آغاز خلقت هم مسجود فرشتگان بوده‌اند و بعد از طی سیکل طولانی، حق به حق دار می‌رسد و فرشتگان کارگزاران مومنان می‌شوند همان گونه که در خدمت اهل عصمت و طهارت بودند. آنان در خدمت رسول خدا (ص) بودند و در جنگ‌های متعدد (حدیث ۷) و در خدمت نوح و ابراهیم و عیسی بودند و در خدمت حضرت حسین بن علی بودند (حدیث ۷) ولی حسین نپذیرفت. این جلوه از عدالت است آن هم به معنای قرار دادن هر چیز در جای خود که فرشتگان جای واقعی شان خدمت به مومنان است. این معنای از عدالت در کلیه گزینش‌های حضرت مهدی (عج) مطرح است که نمونه‌ای از آن را در گزینش شیعیان به بحث گذاشتیم که پست‌های کلیدی را اشغال می‌کنند.

ه- یکی دیگر از جلوه‌های عدالت در حدیث ۸ ذکر شده که (خداوند از گورستان وادی السلام هفتاد هزار صدیق را زنده می‌کند که همگی از اصحاب و انصار او می‌شوند). اگر از وادی السلام الغاء خصوصیت شود، مردگانی که هر صبح مخلصانه در دعای عهد ترنم کرده‌اند که:

«گر مرگ بین من و مولايم فاصله شد همان مرگی که برای بندگان حتمی و آمدنی است پس مرا از قبرم خارج کن تا با زره‌ای مثل کفن و شمشیر و نیزه آماده و آخته در دست به آقایم بگویم. هر جا باشم (دور و نزدیک)».

این دعا که از حنجره‌های پاک منتظران بلند می‌شده است، مورد استجابت

قرار می‌گیرد و در رکاب او قرار می‌گیرند و این هم عدالت است که به معنای مساوات است و عدم تبعیض و فرق گذاری چه فرق است بین مردگان و زندگان در بهره وری از فیض لیبیک به معصوم؟ چگونه است آنان که نه در کربلا بودند تا شهید شوند و نه در زمان ظهور زنده بودند تا در رکاب حضرت باشند با آن همه عشق از فیض جهاد در محضر امام (عج) محروم باشند عدالت اقتضا می‌کند که آن‌ها هم با حضرت باشند. این حدیث برای منتظران بسیار انگیزاننده است که بدانند خداوند اجر آن‌ها را ضایع نمی‌کند.

و- یکی دیگر از جلوه‌های عدالت حضور زنان در سازمان آن حضرت است که از ۳۱۳ نفر، در نقل‌های مختلف، ۱۳ نفر، ۵۰ نفر و... هستند به هر حال، این زنان در جنگ هم شرکت دارند و مسئولیت‌هایی را هم علی‌القاعده بر دوش دارند البته به تناسب شان و توان آنها... به هر حال زنانی که در احد بوده‌اند (مثل نسیبه) و پیامبر حضورشان را تایید کرده است و در کربلا بوده‌اند (مثل زینب و ام کلثوم فرزندان امام علی (ع)) به همین مناسبت، در رکاب آن حضرت هستند و تبعیض در این زمینه نیست. اعمال این عدالت در سازماندهی حضرت به معنای اعمال مساوات و برابری اجتماعی است.

اوصاف کلی یاران مهدی

روایاتی که اوصاف یاران حضرت مهدی (عج) را از نظر ایمان و اطاعت و شجاعت بر می‌شمارند بسیارند که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود.

۱۱. قندوزی در کتاب ینایع المودة (۲۹) از ابی بصیر نقل می‌کند که امام صادق (ع) فرمودند: گفتار حضرت لوط (ع) درباره قومش که فرمود: ای کاش مرا قوتی یا پناهگاهی امن و استوار می‌بود که از شر شما محفوظ می‌مانم. (۳۰) آرزویی است بر قدرت قائم ما (مهدی (ع) و استواری یارانش که همان ارکان محکم می‌باشند هر کدام از مردان و یاران مهدی (عج) دارای قدرت چهل مرد هستند دل‌های آنها از پاره‌های فولاد محکم‌تر است. اگر بر کوه‌ها بگذرند کوهها در هم فرو می‌ریزند دست از شمشیرهای خود در پیکار با دشمنان دین باز نمی‌گیرند تا آنکه خدای تعالی راضی شود.

۱۲. سید بن طاووس از ابن زرین غافقی نقل می‌کند که حضرت علی (ع) فرمودند:

یاران مهدی مردانی هستند فولاد دل که همه وجودشان یقین به خناست و مردانی سخت‌تر از صخره‌ها که اگر به کوه‌ها روی آرند آن‌ها را از جای بر کنند درفش پیروزمند آنان به هر شهر و پایتختی روی آرند. آنجا را به سقوط وادار سازند: گویی آن مردان عقابان تیز چنگند که بر مرکب‌ها سوار شده‌اند این شیر مردان پیروز و عقابان تیزچنگ برای تبرک و فرخندگی دست خویش را به زین اسب امام می‌کشند و بدین سان تبرک می‌جویند. آنان او را در میان می‌گیرند جان خویش را در جنگ‌ها پناه او می‌سازند و هرچه او اشاره کند، با جان و دل انجام می‌دهند برخی از آنان شب هنگام نخوابند و زمزمه قرآن و مناجاتشان هم چون زنبوران عسل فضا را آکنده سازد، تا بامداد به عبادت خدای بایستند و بامدادان سوار بر مرکب‌ها شوند.

آناند راهیان شب و شیران روز و هم آنانند گوش به فرمان امام خویش، ایشان چون مشعل‌های فروزانند که دل‌های استوارشان بسان قندیل‌های نور در سینه شان آویخته است. این مردان تنها از خدا می‌ترسند فریاد «لا اله الا الله و الله اکبر» آنان بلند است. همواره شهادت و کشته شدن در راه خدا را آرزو می‌کنند و شعار آنان «یا لثارات الحسین» است. به هر سو روی می‌آورند ترس و بیم از هیبت آنان، پیشاپیش در دل مردمان افتد (و تاب مقاومت از همه گرفته شود) این خناجویان سبک بال به سوی خداوند خویش روی می‌آورند و خدا به دست آنان امام حق را یاری می‌فرماید. (۳۱)

۱۳. قطب الدین راوندی در کتاب الخراج و الجرائع نقل می‌کند:

امیر مومنان (ع) بر منبر فرمودند: در آخر الزمان مردی از فرزندان من به پا خواهد خواست... (تا اینکه می‌گویند) هنگامی که پرچم او به اهتزاز در آید، شرق و غرب را در بر می‌گیرد و او دستان پر برکتش را بر سر بندگان خدا قرار می‌دهد در این هنگام، مومنی باقی نخواهد ماند مگر آنکه قلبش از پاره‌های فولاد محکم‌تر شود خداوند عزوجل نیروی چهل نفر را به او بدهد. (۳۲)

۱۴. همچنین در روایت متعدد دیگر مانند آنچه در صحیح مسلم ذکر شده است:

آنان بهترین دلبران روی زمین هستند مردانی هستند که خدا را آن گونه که باید شناخته‌اند. آن‌ها پرچم داران حضرت مهدی(ع) هستند آنان فقیهان، قاضیان و فرمان‌روایانند.

اخبار فوق بخشی از اخبار فراوانی هستند که ویژگی یاران مهدی را بیان می‌کنند و در حقیقت به «شایسته سالاری» دلالت دارند. شایسته سالاری در رابطه با عدالت، از چندمنظر و معنا قابل لحاظ است.

الف- عدالت به معنای عدم ارتکاب کبیره و عدم اصرار بر صغیره که ملکه درونی عدالت را تشکیل می‌دهد. این خصلت‌ها که ذکر شد، از عبادت‌ایمان، شجاعت، اطاعت مولا و قدرت، همه حاکی از ملکه شدن این نوع عدالت در یاران مهدی است و آن حضرت عادلان را به این معنا گزینش می‌کند.

ب- عدالت به معنای اعتدال، دوری از افراط و تفریط و گزیدن حد وسط در بین رذائل و فضائل است. اوصاف ذکر شده حاکی از یک اعتدال درونی هستند مثلاً شجاعت که در اخبار آمده حالتی معتدل بین جبن و تهور است.

د- عدالت به مفهوم «اعطا کل ذی حق حقه» و «وضع کل شی فی موضعه»- آن حضرت پرچم خود را به مردان صالح و صادق و حق شناس می‌دهد که جز از خدا نمی‌ترسند و کشته شدن در راه خدا همواره آرزو دارند و زمزمه قرآن و مناجاتشان چون زبوران غسل فضا را آکنده سازد (حدیث ۱۲).

و- طبق حدیث ۱۴، اینان فقیهان و قاضیان و فرمان‌روایانند. آری، چنین شایستگی برای چنین مناصبی مناسبند.

ه- عدالت به معنای موزون بودن و متعادل که در سازمان یاران مهدی محسوس است. نظم و اعتدالی که دارند، سازمان زیبایی که دارند و در جغرافیای وسیع شرق و غرب (حدیث ۱۳) و هر شهر و پایتخت (حدیث ۱۲) با این گستردگی از انسجام و انتظامی خوب برخوردارند و همین نظم و اعتدال عامل فتوحات آنان است. در این زمینه، کافی است به حدیث ۹ مراجعه شود و نیز حدیث ۴.

جمع بندی

سازماندهی آن حضرت کاملاً متکی به عنصر عدالت است (به تفصیلی که ذکر شد).

برنامه ریزی

دومین وظیفه مدیر بعد از سازماندهی برنامه ریزی است. برنامه ریزی مانند پلی است میان جایی که هستیم و جایی که می‌خواهیم به آن برسیم. برنامه ریزی یعنی انتخاب مأموریت‌ها، هدف‌ها و اقداماتی برای نیل به آن‌ها مستلزم تصمیم‌گیری و انتخاب از میان بدیل‌ها برای اقدام آینده سازمان است.

برنامه ریزی اساسی‌ترین وظیفه در میان وظایف مدیریت است. دیگر وظایف مدیر، یعنی سازماندهی رهبری و کنترل، هدف‌هایی را پی می‌گیرند که در فرآیند برنامه ریزی پی‌گیری شده است. برنامه ریزی جایگاهی را که سازمان در آینده باید در آن قرار گیرد تعیین می‌کند و سپس مجموعه‌هایی از اعمال کارساز را که برای رسیدن به این وضعیت در آینده ضروری است انتخاب و اجرا می‌کند. همه افراد سازمان‌ها و گروه‌ها باید برای فعالیت‌های خود برنامه ریزی کنند تا بتوانند به خواسته‌های خود جامعه عمل ببوشانند. (۳۳)

آن حضرت (عج) برنامه ریزی دارد. برنامه‌ای برای او و ایجاد عدالت، عدالتی در تمام ابعاد، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، امنیتی و... که همان قسط است و عدالت اجتماعی (به معنای اعم) حال به گوشه‌ای و شمه‌ای از برنامه‌های مهدی (عج) اشاره می‌کنیم.

امام علی (ع):

۱۵. در زمان حکومت مهدی (ع) گری و میش در یک مکان زندگی می‌کنند بچه‌ها با مارها و عقربها بازی می‌کنند، در حالی که ادیت نمی‌شوند

شر از میان می‌رود و خیر باقی می‌ماند. (۳۴)

۱۶. قائم ما با رعب و یا پیروزی تأیید می‌شود. زمین در زیر پای او می‌پیچد و گنج‌های آن از برای او آشکار می‌شود. حکومت او مشرق و مغرب را فرا می‌گیرد و خانواده دینش را بر همه ادیان غالب می‌گرداند، گرچه مشرکان ناخوش دارند. (۳۵)

۱۷. وقتی قائم ما از مکه قیام کند و عازم کوفه شود، منادی به او ندا می‌کند هیچ یک از شما خوراکی و آشامیدنی بر ندارد. مهدی (عج) سنگ موسی را که دوازده چشمه از آن جاری می‌شود با خود حمل می‌نماید در هر منزلی که وارد می‌شود آن را نصب می‌کند و چشمه‌ها از آن می‌جوشد و هر گرسنه از آن بخورد سیر و هر تشنه سیراب می‌شود. این توشه آنان خواهد بود. (۳۶)

۱۸. مهدی (عج) هفت سال حکومت خواهد کرد که در هر سال از آن معادل ده سال از سال‌های شماس است. آن گاه خداوند آنچه خواهد انجام داد. ابوبصیر می‌گوید: گفتم فدای تو شوم، چگونه این سالها طولانی می‌شوند؟

امام فرمود: خداوند به فلک امر می‌کند که حرکت کند. از همین رو، روزها و سال‌ها طولانی می‌شوند. ابوبصیر می‌گوید: اگر در فلک تغییری پیدا شود، عالم تباه می‌شود. امام (ع): این سخن زندقه هاست. اما مسلمانان این سخن را خواهند پذیرفت. چرا که خداوند برای پیامبر خود ماه را دو نیمه کرد. قبل از آن برای یوشع بن نون خورشید را برگرداند و خبر از طولانی بودن روز قیامت که معادل هزار سال شماس است. داد. (۳۷)

۱۹. قائم ما به هر سو که رود، ابرها بر سر او سایه می‌افکنند و با زبانی فصیح می‌گویند این مهدی آل محمد (ص) است که زمین را پس از وفور بی عدالتی و ستم پر از قسط و عدالت می‌کند. همچنین زمین در زیر پای او می‌پیچد. (یعنی قدرت طی الارض خواهد داشت) (۳۸)

۲۰. چون قائم ما آل محمد (ص) قیام کند، شمشیرهای نبرد (از آسمان) فرود می‌آیند. بر هر شمشیری اسم خود و نام پدر صاحب آن شمشیر را نوشته‌اند. (۳۹)

۲۱. هرگاه قائم ما خروج کند، زمین گنج‌های خود را بیرون می‌برد و مردم هم آن را مشاهده می‌کنند. (۴۰)

۲۲. هنگام ظهور، زمین به نور قائم (ع) منور می‌گردد و تاریکی از میان می‌رود و مردم نیاز به نورافشانی خورشید و ماه ندارند. (۴۱)

۲۳. در دوران ظهور، مؤمن پرنده‌ای از هوا به زیر می‌کشد، سپس آن را ذبح کرده و پس از بریان نمودن می‌خورد، اما استخوانش را سالم باقی می‌گذارد. آن گاه به آن می‌گویند به اذن خداوند زنده شو، پس زنده می‌شود و پرواز می‌کند و همچنین است در مورد آهوه‌های صحرا. در آن زمان قائم (عج) مایه روشنی شهرهاست و مردم نیازی به خورشید و ماه ندارند بر روی زمین، نه جانوری مودعی یافت می‌شود و نه شری و نه سمی و نه فسادی چرا که عدالت او آسمانی است و نه جن و شیطان در آن راهی برای وسوسه و فتنه انگیزی ندارند. بنابراین نه کردار زشتی وجود دارد و نه جسارتی و نه حسادت و نه چیزی از تباهی. زمین و درخت دچار آفت نمی‌شوند و کشتزارها سالم و برپایند و هرگاه چیزی از آن برگیزند، در وقتش می‌روید و به حالت اول بر می‌گردد. پدر خانواده به فرزندش لباس حریر می‌پوشاند، در حالی که پیوسته با اوست و مندرس نمی‌گردد و به هر رنگی مایل باشد در می‌آید. برای شیطان در آن دوران بلدی یافت نمی‌شود که در آن مسکن گزیند و فرشتگان با مؤمنان مصافحه می‌کنند. (۴۲)

۲۴. گنج‌ها را استخراج می‌کند، اموال را تقسیم می‌کند و اسلام را حاکم می‌کند. (۴۳)

۲۵. او متوجه شام می‌شود. جبرئیل و میکائیل اطراف او را می‌گیرند، اهل آسمان و زمین شادمانی می‌کنند، پرندگان، وحشیان و ماهیان شادی می‌کنند. آب در دوران او فراوان می‌شود و رودخانه‌ها جاری می‌گردند، زمین ثمرات خود را می‌افزاید، گنج‌ها ظاهر و خارج می‌شوند. (۴۴)

۲۶. رسول خدا(ص) می‌فرماید:

در آخر امت من، مهدی خروج می‌کند، خدا باران را برایش فراوان می‌بارد

و زمین، گیاه خود را می‌رویند او مال را به شکل صحیح تقسیم می‌کند، مرکبها فراوان می‌شوند و مردم مورد اعظام و اکرام می‌شوند. او هفت یا هشت سال حکومت می‌کند» (۴۵)

۲۷. رسول خدا (ص) می‌فرماید:

مهدی هفت یا هشت سال حکومت می‌کند امت من در آن تنعم و رونق هستند که هیچ امتی این گونه در رفاه نبوده است. زمین هرچه دارد بدون کم و کاست رو می‌کند، مال در آن زمان مثل دوست است به هرکس می‌رسد می‌گویند هرچه می‌خواهی بردار. (۴۶)

۲۸. در زمان قائم (عج)، فراوان و وفور از جهت باران و کشاورزی است. کینه از دل بندگان می‌رود، وحشیان رام می‌شوند یک زن بین عراق و شام عبور می‌کند در حالیکه همه جا همواره گیاهان و مزارع است و زینت خود را با خود دارد، هیچ درنده‌ای او را دچار اضطراب و ترس نمی‌کند. اگر می‌دانستید به خاطر ایستادگی در برابر دشمن و تحمل ناروایی که می‌شنوید چه چیزی برای شما خواهد بود و هر آینه دل‌های شما شاد می‌شد. (۴۷)

۲۹. امیرالمومنین (ع) می‌فرماید:

مهدی (عج) فرماندهان (فرمانداران) را به شهرها می‌فرستد تا به عدالت بین مردم حکم کنند. گوسفند یا گریگ یک جا خواهند بود، بچه‌ها با عقرب و مار بازی می‌کنند بدون آزار و اذیت... بدی می‌رود و خوبی باقی می‌ماند رونق کشاورزی بی اندازه می‌شود. زنا، شرب خمر و ریا رخت بر می‌بندند مردم به عبادت شریعت و دیانت روی می‌آورند، نماز جماعت رونق می‌گیرد. عمرها طولانی می‌شود، امانات اداء می‌شود، درختان پرمیوه می‌شوند، برکات فراوان می‌گردد، اشرار نابود می‌شوند، اختیار باقی می‌مانند، دشمنان اهل بیت باقی نمی‌مانند» (۴۸)

این مشتق از خروار است. احادیث فراوان ولی مجال این مقال اندک است. دو عنصر برنامه ریزی و عدالت از زمین اخبار نورانی موج می‌زند نیاز به شرح نیست «عدالت اجتماعی» که شامل عدالت در همه عرصه‌ها می‌شود، کاملاً مشهود است.

در حدیث ۱۹، بحث از پر کردن زمین از قسط و عدل است و در حدیث ۲۸: بحث از حکومت عادلانه فرمانداران و کارگزاران او در بلاد است. از این قبیل اخبار که از اعمال عدل به شکل مطلق یاد می‌کند، در جوامع حدیثی مهدوی فراوان است. مخصوصاً که اصطلاح (مملو کردن) طرح شده، آن هم بعد از مملو بودن از ظلم، پر کردن عدل یعنی فراگیری و گسترش و همه جانبگی عدالت. استاد مطهری می‌گوید: (۴۹)

«آیات قرآنی عدل را چهار قسمت کرده: عدل تکوینی، عدل تشریحی، عدل اجتماعی و عدل اخلاقی و آنچه در قرآن در زمینه عدل اجتماعی آمده، چهار قسمت است: عدل خانوادگی، عدل قضایی (۵۰)، عدل اصطلاحی اجتماعی (۵۱) و عدل سیاسی (۵۲) بیش‌ترین آیات مربوط به عدل و درباره عدل جمعی و گروهی است، اعم از خانوادگی، سیاسی، قضایی، اجتماعی. تا آنجا که این بنده به تقریب به دست آورده در حدود ۱۶ آیه در این زمینه است. برنمه حضرت مهدی (عج) امتلاء ارض از عدالت به صورت تمام و کمال است و الا (بملاً الارض به قسطا و عدلا) معنا ندارد و اما آنچه از اخبار به دست می‌آید و جز برنامه عادلانه اوست:

الف- عدالت اقتصادی (اشکار شدن گنج‌ها در حدیث ۱۶) که در احادیث فراوانی به آن اشاره شده، حاکی از یک فعالیت عظیم و رونق اقتصادی است که آنچه ثروت در دل زمین است استخراج می‌شود. هرچند لحن آیات حاکی از یک اعجاز و کرامت است، ولی می‌تواند حاکی از قدرت مدیریت برنامه ریزی آن حضرت در به کارگیری نیروها هم می‌باشد به هر حال، این اصطلاح مکرر (اشکار شدن گنج‌ها)، سمبلی از رونق و استخراج معادن گوناگون است یعنی مدیریت بهره‌وری یعنی یاستفاده از جمیع امکانات زمین، نه اینکه زمین پر از ثروت باشد و مثل بعضی کشورها، مردم روی آن گرسنه قدم بزنند.

ب- اصطلاح «فراوانی باران» (حدیث ۲۵ و ۲۶) «جوشش چشمه‌ها» (حدیث ۱۷)، «فراوانی آب در دولت او» (حدیث ۲۵) حاکی از عدالت است چرا

که در اخبار است اگر عدالت قضایی باشد آسمان می‌بارد. و نیز حاکی از یک (مدیریت آب) است که از شاخه‌های مدیریت بهره‌وری است.

ج- عدالت بالسنویه اجتماعی کاملاً مشهود است چرا که لحن حدیث مطلق است و شامل همه انسان‌ها در همه زمین می‌شود. بحث از سرزمین خاص نیست قلمرو حکومت او سراسر زمین و همه انسان‌ها هستند و طبق اخبار که هیچ قیدی ندارد، این ثروت جوشان، فراگیر و بدون تبعیض است و شعبه‌ای از رحمت رحمانیه است.

د- در تعریف برنامه‌ریزی گفته شد انتخاب اهداف از عناصر اصلی آن است و کلیه اقدامات و تصمیم‌گیری‌ها برای رسیدن به آن اهداف انجام می‌پذیرد. مهدی (عج) از حکومت خود چه هدفی دارد، جز همان اهداف که رسول خدا (ص) و امیرالمومنین (ع) داشتند کما اینکه آن حضرت در یک خطبه به چهار هدف اشاره می‌کند (احیای معالم و شاعران دین خدا، اصلاح (آبادانی شهرهای خدا) امنیت بندگان مظلوم خدا و اقامه حدود خدا) (۵۳) همین اهداف را امام حسین (ع) هم به عینه بیان می‌کند (۵۴). این اهداف در یک کلمه قرآنی (قیام به قسط) خلاصه می‌شود. (۵۵)

در اخبار فوق، مهدی هم امنیت می‌آورد. نماد امنیت بازی کردن بچه‌ها با عقرب‌ها و مارها بدون ترس (حدیث ۱۵)، مسافرت یک زن با زینت بدون ترس از عراق به شام (حدیث ۲۸)، جمع شدن گریگ و میش با هم (حدیث ۱۵)، رفتن بدی‌ها و بل‌ها و باقی ماندن خوبی‌ها و خوبیها (حدیث ۲۳) می‌باشد این‌ها سمبل امنیت بندگان مظلوم است که «زن و بچه‌ها» به عنوان مثال اتم است که نوعاً در بحران‌ها دچار وحشت می‌شوند (بیش از مردان) و پر واضح است که امنیت کامل در سایه عدالت قضایی است. اگر قاضیان عادل نباشند و احقاق حق و ابطال باطل نکنند، امنیت افسانه‌ای بیش نخواهد بود. قرآن می‌فرماید:

« (در زمان ظهور) خواهند برای مؤمنان و عاملان صالح خوف را به امنیت تبدیل می‌کنند» (۵۶)

و این وعده خدا تحقق می‌یابد «اصلاح در بلاد» که از اهداف حکومت علوی بوده است هم در حکومت مهدوی از خلال اخبار مشهود است. نسل‌ها اصلاح می‌شود، اخلاق‌ها اصلاح می‌شود، بدی‌ها وجود ندارد، منکر زائل می‌شود، لباس‌ها مندرس نمی‌شود. هر رنگ بخواهند ظاهر می‌شود (حدیث ۲۳) اگر دقیق مرور شود، رونق اقتصادی و بی‌نیازی مردم از هر حیث حاکی از یک عدالت اقتصادی است. فقر توزیع نمی‌شود که نوعی عدالت منفی است بلکه فراوانی و ثروت توزیع می‌شود. این حدیث پیامش این است که کسی زیر خط فقر نیست. تهاجم فرهنگی از بین می‌رود که نوعی عدالت فرهنگی را می‌رساند (برای شیطان جایی باقی نمی‌ماند) یعنی اینکه تهاجم و نقشه‌های او شکست می‌خورد. هیچ پتری جلوی فرزندش خجل نیست. تسلط اقتصادی و فرهنگی دارد. مردم مرغ را می‌خورند، دوباره زنده می‌شود، یعنی هیچ کمبودی نیست. تمام اهداف چهارگانه علوی و تمام اقسام عدالت که استاد مطهری شمرده، همه در این اخبار مندرج است.

ه- برخی اندیشوران برآنند که امام مهدی مبدءالایات است یعنی صاحب معجزه است و تمام برنامه ریزی و سازمان دهی و رهبری و نظارت او اعجاز‌آمیز است و اخبار حاکی از این امر است. و لذا مدیریت او با استانداردهای مدیریت مادی و تمدنی سازگار نیست طرحی نو در می‌اندازد با ساقی به هم می‌سازد و سقف می‌شکافند (۵۷) و نیز برخی دیگر برآنند که عدالت مهدوی ناشی از عدالت خدایی است و عدل مثل توحید امری فطری است. و چون تمدن موجود بشری افسار گسیخته و به دور از استانداردهای عدل فطری است. و چون تمدن موجود بشری افسار گسیخته و به دور از استانداردهای عدل فطری است و امام مهدی (عج) عدالت فطری را پیاده می‌کند پس لاجرم با این تمدن‌های مادی و اندازه‌های آن نمی‌سازد و از راهبردها و راه کارهای دیگر فوق مادی استفاده می‌کند و جامعه‌ای بنور از معیارهای شناخته شده می‌سازد. (۵۸)

و- حدیث ۲۰ حاکی از مصلح بودن و توانایی نظامی همگانی است همه به نامشان شمشیری ثبت است این نوعی عدالت است که همه آموزش دفاعی

و نظامی می‌بینند و نیز فراوانی سلاح را نشان می‌دهد در مقابل این امت مسلح و تحت فرمان فرمانده چگونه می‌توان ایستاد؟

ح- حدیث ۲۲ حاکی از اوج عدالت اجتماعی است که آنچنان صحنه‌ها را نورانی می‌کند که گویا مردم نیازی به نور آفتاب خورشید و ماه ندارند و چون نور فراگیر است، پس عدالت او فراگیر است.

ط- حدیث ۲۵ حاکی از رضایت همگانی از حکومت آن حضرت است که ناشی از اعمال عدالت است. چرا که شادی آسمان و زمین را ناشی از ظهور او و ظهور آب و گنج از آسمان و زمین می‌داند این یک عدالت رضایت‌آمیز است. ی- در حدیث ۲۶ بحث از تقسیم صحیح اموال است که همان توزیع عادلانه ثروت است که به لفظ (صحیح) از قول نبی اکرم (ص) طرح شده است یعنی عمده‌ترین معضل اقتصادی حکومت‌ها و دولت‌ها را حضرت مهدی (عج) با مدیریت عادلانه و برنامه ریزی عادلانه اقتصادی خود حل می‌کند و به گونه‌ای که رسول خدا (ص) در حدیث ۲۷ بر بی نظیری رفاه مهدوی اشاره می‌کند آنگاه مردم در اثر این توزیع بی‌نیاز می‌شوند که سیاست چک سفید اعمال می‌شود و طبق حدیث ۲۷ مال در یک ظرف است و هرکس به شکل آزاد از آن بر می‌دارد.

ک- این عدالت اقتصادی و این برنامه‌ریزی کم نظیر اجتماعی از آن رو به ثمر می‌نشیند که طبق حدیث ۲۹ در آن ربا وجود ندارد، ربا مظهر اقتصاد و تجارت نامشروع و غیر صحیح است و این یک پیام است برای کلیه اقتصاددانان که تنها راه عدالت اقتصادی گریز از ربا و خانواده آن است (هر نوع فساد اقتصادی) حدیث ۲۹ می‌گوید وقتی ربا و زنا و بدی و شرب خمر نیست، عمرها طولانی تولیدات عالی دیانت و امانت موجه و معروف و برکات فراوان می‌گردد. و اینکه می‌فرماید دشمنان اهل بیت باقی نمی‌مانند کنایه از این است که اقتصاد اهل بیت حاکم می‌شود اقتصادی که قرن‌ها مانع از تحقق داشته است بدست مهدی (عج) پیاده می‌شود.

جمع بندی: پس عدالت اجتماعی اعم از عدالت قضایی، فرهنگی، اقتصادی و خانوادگی و شغلی و امنیتی است که از خلال اخبار فوق استنتاج شد و دست آورد دست پر قدرت مهدی (عج) می‌باشد که ناشی از برنامه ریزی است به عنوان یکی از پنج وظیفه مدیریت.

نظارت

سومین وظیفه یک مدیر نظارت است

نظارت یا کنترل را به گونه‌های مختلف تعریف کرده‌اند در همه این تعریف‌ها کنترل را نوعی مقایسه بین آنچه هست و آنچه باید باشد دانسته‌اند یکی از این تعاریف از استونر است که می‌گوید:

کنترل مدیریتی فرآیندی است جهت حصول اطمینان از این که فعالیت‌های انجام شده با فعالیت‌های برنامه ریزی شده مطابقت دارد در واقع کنترل فرآیند از برنامه ریزی است کنترل مدیران کمک می‌کند تا مراقب اثر بخشی فعالیت‌های برنامه ریزی، سازماندهی و هدایت باشند بخش اصلی فرآیند کنترل، اعمال اقدامات اصلاحی مورد نیاز است. (۵۹)

یکی از عللی که موجب می‌شود مدیران به سختی تفویض اختیار کنند این است که نگرانند زیردستان کاری را که مسئولیتش بر عهده آنان است به درستی انجام ندهند اگر مدیر نظام کنترلی موثری به وجود آورد این بی‌میلی به تفویض اختیار کاهش می‌یابد مدیرانی که اختیار خود را تفویض می‌کنند چون نهایتاً خود مسوول تصمیم‌هایی هستند که زیردستان می‌گیرند به ساز کار باز خورد نیازمندند. (۶۰)

نظارت‌ها دو دسته است:

اول خود نظارتی یا نظارت از درون؛

دوم نظارت بیرونی و سازمانی.

در دید اسلام نظارت درونی بر دو پایه عدالت و تقوا است (اعدلوا هو اقرب للتقوی) (۶۱) «عدالت کنید به تقوی نزدیک شوید» عدالت در این معنا همان اعتدال درونی و کسب اوساط از فضایل و نیز دوری از کبائر و عدم اصرار بر صفات و اموری که مورد نظارت هستند عبارتند از: افراد امور مالی، عملیات و

برنامه‌ها.

در حکومت مهدی (عج) نظارت چگونه است؟ به چند خبر مهدوی اشاره می‌کنیم:

۳۰- چون قائم آل محمد قیام کند به هر اقلیمی مردی می‌فرستد و به او می‌گوید: فرمان تو در کف توست چون با موضوعی مواجه شوی که از آن سردرniaوری و نفهمی به کف دست خود نظر کن و به هرچه در او بینی عمل نما قشونی به قسطنطنیه می‌فرستد چون به خلیج برسند چیزی برپاهای خود می‌نویسند و روی آن راه می‌روند اهل روم آن‌ها را می‌بینند و می‌گویند این‌ها اصحاب او هستند که روی آن راه می‌روند پس خود او چگونه است؟ آن گاه دروازه شهر را به روی آنان بازخواهند کرد آن‌ها وارد می‌شوند و هرچه بخواهند حکم می‌نمایند. (۶۲)

۳۱- هرگاه قائم ما قیام کند خداوند به گوش‌ها و چشم‌های شیعیان ما قوه و نیرویی بخشد در حالی که بین آن‌ها و قائم (ع) واسطه‌ای نباشد با شیعیان ما تکلم فرماید و آن‌ها می‌شنوند و به آن حضرت می‌نگرند در حالیکه آن حضرت در مکان خود می‌باشد. (۶۳)

۳۲- گویا قائم را می‌بینم که در پشت نجف بر آسبی سیاه همراه با نقاطی سفید و خطی سفید در پیشانی آن سوار شده است آن گاه آن را به حرکت می‌آورد و در پس در این هنگام اهل همه سرزمین‌ها او را در پشت سرزمینشان مشاهده می‌کنند. (۶۴)

۳۳- در خصوص قول خداوند (اینما تکون یات بکم الله جمیعاً) «هرجا باشید خدا همه شما را جمع می‌کند» ابوالحسن (ع) می‌فرماید: مربوط به قیام قائم است که خداوند جمیع شیعیان را از جمیع بلدان جمع می‌کند. (۶۵)

۳۴- امام باقر (ع) در تفسیر آیه (الذین ان مکنا هم فی الارض اقامو الصلوة و اتوا الزکاة و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر قلله عاقبة الامور) فرمود: این مربوط به آل محمد (ص) است مهدی (ع) و اصحاب او را خداوند در مشارق و مغارب زمین حاکم می‌گرداند دین را پیروز می‌گرداند و بوسیله مهدی و اصحاب او بدعت‌ها و باطل را زائد می‌کند پیروان باطل را هم زائل می‌کند تا اثری از ظلم نماند یاران مهدی امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و عاقبت امر از آن خداست (سرانجام دین خدا حاکم می‌شود). (۶۶)

۳۵- امام صادق (ع) فرمود: در زمان قائم مومنی در شرق برادرش را در مغرب مشاهده می‌کند و آنکه در مغرب است برادرش را در مشرق می‌بیند. (۶۷)

اخبار فوق حاکی از نظارت آسان و جمعی است همه تحت نظر دیگری و دیگران هستند (حدیث ۳۵ و ۳۱). امر به معروف و نهی از منکر به عنوان نظارت عمومی رایج است و از برنامه‌های اصلی دولت مهدی (عج) است (حدیث ۳۴) از خصوصیات یاران مهدی (عج) به شکل بارز ایمان و تقوی و شجاعت است (احادیث ۷ تا ۱۴) که خود حاکی از یک نظارت درونی یا خود نظارتی است که در مدیریت نوین به آن اهتمام ویژه‌ای می‌شود. (۶۸)

مدیران را از نظارت تحمیلی پرهیز و به خود نظارتی سوق می‌دهند و این همان نهادینه شدن ملکه تقوی و عدالت است. بنابراین ظهور عدالت درونی که عامل پرهیز از گناه و موجب تعادل اخلاقی و فضیلتی است در یاران مهدی موج می‌زند و نظارت را خود بخود اعمال شده قرار میدهد... (این یک جلوه از عدالت در نظارت و مدیریت عادلانه مهدی)

از سوی دیگر در مدیریت نوین از (نظارت موثر) صحبت شده است (۶۹) که عبارت است از نظارتی که به جمع آوری اطلاعات اکتفا نمی‌کند بلکه با استفاده از بهترین ساز و کارهای نظارتی و بهترین راه کارها تا پایان پیش می‌رود و کار نظارت را با اقدام اصلاحی تمام می‌کند آن گاه یکی از خصلت‌های نظارت موثر (اعتدال در نظارت) شمرده شده که میانه روی در نظارت است نه خیلی زیاد نه خیلی کم و گفته شده نظارت زیاد به لجاجت، فریب دادن و دادن اطلاعات غیر معتبر و اصلاحات مقطعی می‌انجامد و نظارت کم به تورم هزینه‌ها می‌انجامد، لذا نظارت معتدل سفارش شده است. ما یکی از معانی عدالت را معنای چهارم میانه روی و دوری از افراط و تفریط آوردیم. و حکومت مهدی (عج) که مظهر عدالت تمام عیار است از بعد

میانه روی هم بهره‌مند است لذا آن حضرت از نظارت میانه و مؤثر استفاده می‌کند چون یارانش پاک و پاک باخته هستند، به شکل خودجوش کار می‌کنند ولی از آن جهت که فرد هرچه بهتر باشد بازهم نظارت می‌خواهد برای این کار طبق حدیث ۳۰ در کف دست آن‌ها نوری قرار داده که عامل ارتباط و نظارت است... علاوه بر اینکه نظارت عمومی امر به معروف و نهی از منکر هم وجود دارد. (طبق حدیث ۳۴).

وجه سوم عدالت در نظارت عدالت به معنای مساوات و رفع تبعیض است چرا که لسان اخبار مطلق است و همگان را شامل می‌شود حتی خود حضرت علاوه بر اینکه از سوی خداوند تحت نظارت است. از سوی مردم هم به وسیله امر به معروف و نهی از منکر و بوسیله نور در کف دست هر فرد تحت نظارت است هرچند عصمت درونی او را بی‌نیاز کرده است ولی عدالت اقتصادی تعمیم در نظارت را دارد. چرا که ملاک نظارت وجود اختیار و مسئولیت است. (۷۰) و بالاترین مسئولیت در اختیار مهدی (ع) است. (او نیز همانند جلدش علی(ع)) که خود را از نظارت مستثنی نمی‌دانست (۷۱) و مردم را به نصیحت خویش دعوت می‌کرد. (۷۲) خود را از نظارت مردم مستثنی نمی‌داند؛ اگرچه در عمل موردی برای اقامت اصلاحی پیدا نشود. و دلیل دیگر این نظارت پذیری مهدی (عج) این است که الگو بودن حکومت برای حکومت‌های قبل از ظهور هم باقی بماند که همه خود را نیازمند نظارت بدانند جمع بندی؛ نقش عنصر عدالت در نظارت: (طبق معانی ده گانه عدالت که در آغاز این مقاله آمده است) نظارت درونی یا خود نظارتی که همان کلمه عدالت و تقوا است؛ (معانی هفتم و دهم عدالت).

نظارت معتدل و به دور از افراط و تفریط؛ (معنای چهارم عدالت).
نظارت عام و همگانی از پائین به بالا یا از بالا به پائین بدون تبعیض. (معنای پنجم عدالت).

انگیزش

چهارمین وظیفه یک مدیر انگیزش است. انگیزش از ساده‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین وظایف مدیریت است. به این دلیل ساده است که مردم به سوی رفتاری که احساس کنند پاداشی در پی دارد برانگیخته می‌شوند بنابراین؛ برانگیختن شخص نباید کارچندان دشواری باشد؛ فقط باید مشخص شود که شخص چه می‌خواهد تا بتوان از آن به عنوان پاداش و انگیزه استفاده کرد. در همین مرحله نیز انگیزش پیچیده می‌شود؛ چرا که آن چه را که یک نفر به عنوان پاداش مهم تلقی می‌کند ممکن است برای شخص دیگری مهم نباشد افراد از نظر چگونگی پیش بینی موفقیت خود باهم متفاوتند. با این حال علی‌رغم پیچیدگی انگیزش، تردیدی نیست که انگیزش اساس مدیریت است. اگر مدیران نتوانند به گونه‌ای کارکنان را تشویق به کارکنند در مدیریت موفق نخواهند شد (۷۳) درباره انگیزش، نظریات متفاوتی ابراز شده است؛ ویکتور روم، مازو، فردریک هرزبرگ، مک کلاند، وسل گلرمن و گری دسلر که مشهورترین آن‌ها نظریه ابراهام مازلو است که بر اساس سلسله مراتب نیازها از مادی به معنوی تنظیم شده است. او معتقد است تامین نیاز عمده‌ترین عامل انگیزش است. (۷۴) خاصیت انگیزش این است که افراد بدون خستگی و بیهودگی با عشق و علاقه نهایت توان خود را تامین کنند در نظریه مدیریت رحمانی بالاترین انگیزش به برآورده شدن متعالی‌ترین نیازها اختصاص یافته است. (۷۵) در حکومت مهدوی انگیزش یاران مهدی به اوج می‌رسد.

۳۶- مفضل بن عمر از امام صادق (ع) سوال کرد آقای من حضرت مهدی (عج) از کجا و چه گونه ظهور می‌کند؟ امام (ع) فرمود:

ای مفضل تنها ظاهر می‌شود و تنها به خانه خدا می‌آید و تنها وارد کعبه می‌شود و آن روز را به به تنهایی به شب می‌رساند چون شب فرا آمد و مردم همه خواب رفتند جبرئیل و میکائیل و صفوف فرشتگان از آسمان نزد او فرود می‌آیند جبرئیل به او می‌گوید: آقای من سخت روا و امرت نافذ است. آن حضرت دست مبارک بر صورت خود می‌کشد می‌گوید: ستایش خدای را که وعده خویش استوار فرمود و زمین را در قبضه ما گذاشت. در هر کجای بهشت

که بخواهید منزل می‌گیریم چقدر خوب است اجر و پاداش عمل کنندگان در بین رکن و مقام می‌ایستند و به آواز بلند می‌گویند: ای جماعت تقیا، ای خاصان و آنان که شما را (خداوند) پیش از ظهور برای نصرت من ذخیره کرد، از صمیم دل و اطاعت کامل نزد من آید صدای مبارک آن حضرت در شرق و غرب عالم به آن‌ها می‌رسد، بعضی از آن‌ها در محراب به عبادت مشغول و بعضی در رختخواب می‌باشند به همین یک صدا همه آواز او را می‌شنوند دعوتش را اجابت کرده و اندازة یک چشم بر هم زدن به مکه می‌آیند همه آنان پیش او در بین رکن و مقام حاضر می‌شوند. خداوند امر می‌فرماید توری از آسمان تا زمین ستون وار کشیده شود و به آن نور همه مؤمنان که در روی زمین هستند روشنایی می‌گیرند و نوری از آن به اندرون خانه‌های مؤمنان بتابد و دل‌های آنان به تابش آن نور خرم و خرسند می‌شود. (۷۶)

۳۷- گویا می‌بینم که اصحاب قائم (عج) را که بین آسمان و زمین را پر کرده‌اند چیزی نیست مگر مطیع آن‌ها حتی درندگان زمین و هوا همه چیز و همه کس درصدد تامین رضایت آن‌ها هستند زمینی بر زمینی دیگر فخر می‌کند و می‌گوید امروز بر من یکی از اصحاب قائم (عج) گذشته است. (۷۷)
۳۸- فرج ما هنگامی است که صاحب این امر (قائم) با میراث‌های پیامبر اکرم (ص) ازمیدینه خارج شده رهسپار مکه معظمه گردد، راوی پرسید: میراث پیامبر اکرم (ص) چیست؟ فرمود: زره، عمامه، برد، تازیانه، پرچم کمان و زین است. آن حضرت چون وارد مکه شد شمشیر را از غلافش در می‌آورد، زره و برد و عمامه را می‌پوشد پرچم را برافراشته تازیانه را به دست می‌گیرد و از خدای تبارک و تعالی اذن ظهور می‌طلبد. (۷۸)
۳۹- امام باقر (ع) فرمود:

زمانی که قائم ما قیام کند دستش را بر سر بندگان قرار می‌دهد پس عقل‌های آن‌ها را جمع می‌کند و خواسته‌های آنان با این کار کامل می‌شود. (۷۹)

۴۰- امام صادق (ع) در حدیثی طولانی که در آن آمار یاران حضرت مهدی (عج) را به تفصیل کشورهای آن‌ها ذکر کرده است. در ضمن آن ابوبصیر می‌پرسد:

فدایت شود آیا در زمین غیر از آنان کسی مؤمن نمی‌باشد؟ فرمود: بلی، ولی اینان کسانی‌اند که خداوند قائم (عج) را از میانشان برگزید و آنان نجبا، قضاة، حکام و فقها در دین هستند خداوند ظاهر و باطن آنان را پاک کرده به گونه‌ای که هیچ امر و حکمی بر آنان مشتبّه نمی‌شود. (۸۰) هرکدام از آنان خودش را یا ۳۰۰ نفر برابر می‌داند. (۸۱)

تا این جا، چهل حدیثی که آورده شد چهار وظیفه یک مدیر اسلامی و مهدوی روشن گردید. وظیفه پنجم که رهبری است، در حقیقت مجموعه این چهار وظیفه و چهل حدیث است. البته در این نوشته فرصت این مختصر مجال پرداختن به آن را نمی‌دهد.

انگیزش هم از این احادیث خاص برداشت می‌شود و هم از مجموعه چهل حدیث، وقتی امامی عادل باشد خصایص رسول خدا (ص) را داشته باشد تمام ودائع رسول خدا (ص) را یا خود حمایل کرده باشد (حدیث ۳۸) آن برنامه عادلانه و آن نظارت عدالت محور و آن سازماندهی مبتنی بر اعتدال را داشته باشد، بدیهی است که همه به فرمانش درآیند وقتی مساوات برقرار شود، هرکس به حق خود برسد و در جای خویش قرار گیرد. چگونه ممکن است که برانگیخته نشود. وقتی مهدی (عج) ظهور کند از مکه صدا زند هرجا باشد خود را برساند (حدیث ۳۲) (اینما تکونوا آیات بکم الله جمیماً) وقتی آن امام همام دست شفقت و قدرت بر سرها می‌کشد، عقل و اندیشه را جمع می‌کند، عقل جمعی را به عقل فردی برتری می‌دهد و آرزوهای کودکانه و دراز را به آرزوهای واقعی و شرعی تبدیل می‌کند (حدیث ۳۹). چگونه جهش و جنبش در یاران ایجاد نشود جان خود را پناه او قرار ندهند؟ (حدیث ۱۰) و هرچه را اشاره کند با جان و دل انجام ندهند (حدیث ۱۰).

بی‌تردید اصلی‌ترین عامل انگیزش، وجود عدالت است که در تار و پود نظام مهدوی مشهود است. در سازماندهی، نظارت برنامه ریزی، رهبری و

هماهنگی، این عنصر است که یاران او را به اهتزاز و ابتهاج در می آورد. اگر ملاک انگیزش را تامین انواع نیازها بدانیم، طبق حدیث ۲۳ این نیازها کامل اشباع می شود و طبق حدیث ۹ (هرگاه که یکی از مومنان نیاز و درخواستی از حضرت داشته باشد قائم (عج) فرشته ای را به سراغ او می فرستد تا او را نزد قائم (عج) ببرد پس نیازش برطرف خواهد شد و مجدداً به محل کار خود برگردانده خواهد شد). لذا مانعی از انگیزش وجود ندارد. واضح است که برطرف کردن نیازها جلوه ای تمام از عدالت و مساوات و برابری است. به عکس، ظلم، اجحاف و تبعیض در فروگاهین انگیزه های انقلابی و فناکارانه بسیار موثر است و چون امام مهدی (عج) مظهر عدل، بلکه خود عدل است، عدل مشتهر و منتظر است. او ظلم و جور فراگیر را ریشه کن می کند خواه ناخواه، همه به شکل اعجاب انگیزی برانگیخته می شوند خلأوند در قرآن چنین می فرماید:

ای کسانی که ایمان آورده اید هرکدام از شما از دینش برگردد خداوند به زودی قومی را جایگزین آنان می کند که دوستشان می دارد و آنان نیز خدا را دوست می دارند آنان در نزد مؤمنان فروتن هستند و در برابر کافران سربلند در راه خدا مجاهدت می کنند و از ملامت سرزنش کنندگان نمی هراسند این فضل الهی است که به هرکس بخواهد عطا می کند (۸۲)

که عده ای از مفسران اصحاب مهدی را مصداق بارز این آیه می دانند در پایان امیدواریم که ما منتظران که انقلاب کرده ایم و به پیروی از نائب عدل آن حضرت زمینه ساز ظهور او می خواهیم باشیم، با نهادینه کردن عدالت در آفاق و انفس، در بینش و ارزش و روش، بتوانیم زمان ظهور آن عدل مشتهر را نزدیک کنیم و اداره و مدیریت امور خود را به مهدی (عج) بسپاریم. که با عدالت تمام بهشتی قبل از بهشت بر ایمان تحقق بخشد

درج شده در فصلنامه انتظار موعود شماره ۱۴

پی نوشتها:

۱. مرتضی مطهری، عدل الهی.
۲. صحیفه نور ج ۲، ص ۴۷۳.
۳. نحل، ۹۰.
۴. مائده، ۸.
۵. عوالمی الثانی، ج ۴، ص ۱۳۲.
۶. یادداشت های استاد مطهری، ج ۶ (نهج البلاغه، خطبه ۲۹).
۷. اثری از نگارنده، مدیریت از نظر کتاب و سنت، ص ۹۰.
۸. همان.
۹. همان ص ۳۴۰.
۱۰. رک: فصلنامه علمی تخصصی انتظار، ش ۵، ص ۱۵۱، مقاله جمال یار، جوادی جعفری (به شکل دقیق و ریز تمام ویژگی های مهدی (عج) در این مقاله تصویر شده است).
۱۱. همان، ص ۲۵۱.
۱۲. رجوع شود به احادیث ۱۰-۱۴ در همین مقاله.
۱۳. حدیث شماره ۴ این مقاله.
۱۴. طاهره فیضی، مبانی سازمان مدیریت، ص ۱۰۳، (به نقل از مدیریت از کتاب و سنت، ص ۳۷۳).
۱۵. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۲۴۳ و ۳۴۸.
۱۶. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۹.
۱۷. الزام الناسب، ص ۳۱۶، ارشاد، ۲۴۳؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۸.
۱۸. نجم الثاقب، ص ۱۵۳.
۱۹. الاختصاصی، ص ۳۳۴، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۸.
۲۰. همان، ص ۸؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۲۲؛ منتخب الاثر، ص ۶۱۲.
۲۱. کامل الزیارات، ص ۱۱۹-۱۲۰؛ نعمانی، الغیبه، ص ۳۰۹؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۱؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۳؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۲۵.
۲۲. نجم الثاقب، ص ۱۵۷-۱۵۸.
۲۳. بیان الائمه، ص ۳۸۶، (به نقل از دلائل الامامة).
۲۴. سید بن طاووس، الملاحم والفتن، چاپ نجف، ص ۵۲.
۲۵. حدید، ۱۰.
۲۶. رک: مدیریت از منظر کتاب و سنت، ص ۱۸۱-۱۸۵.
۲۷. منتخب الاثر، ص ۵۸۵، (به نقل از ینابیع المودة)

۲۸. منتخب الاثر، ص ۵۸۵، (به نقل از ینابیع المودة)
۲۹. ینابیع المودة، چاپ نجف، ص ۵۰۹.
۳۰. «قال لو ان لی بکم قوه أو اوی الی رکن شدید» هود، ۸۰.
۳۱. سید بن طاووس الملاحم والفتن، چاپ نجف، ج ۵، ص ۵۲.
۳۲. راوندی، الخراج و الجرائح، ص ۱۹۵؛ شیخ طبرسی، اعلام الوری، ص ۴۳۵ شیخ صدوق در کمال الدین.
۳۳. مدیریت از منظر کتاب و سنت، ص ۳۴۳.
۳۴. منتخب الاثر، ص ۴۷۴؛ الزام الناسب، ص ۱۳۹؛ النجم الثاقب، ص ۱۵۶.
۳۵. بیان الائمه، ج ۳، ص ۲۵۵.
۳۶. الخراج و الاجرائح، ج ۳، ص ۲، ص ۶۹۰ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۲۵.
۳۷. الزام الناسب، ص ۲۳۳؛ اعلام الوری، ص ۴۲۲؛ ج ۵۲، ص ۳۳۹؛ ارشاد، ص ۳۶۵؛ نجم الثاقب، ص ۱۴۸.
۳۸. بیان الائمه، ج ۳، ص ۲۵۲.
۳۹. نعمانی، الایبه، ص ۲۴۴؛ بشاره الاسلام، ص ۲۱۵؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۶.
۴۰. نجم الثاقب، ص ۱۵۹؛ منتخب الاثر، ص ۵۸۹.
۴۱. بیان الائمه، ج ۳، ص ۳۱۸.
۴۲. همان، ص ۳۱۷.
۴۳. منتخب الاثر ص ۵۸۹.
۴۴. همان.
۴۵. همان، ۵۹۱؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۵۷۷.
۴۶. همان.
۴۷. همان، ۵۹۲ (به نقل از خصال از حضرت امیرالمؤمنین (ع)).
۴۸. همان، ۵۹۳ (به نقل از کشف الاستار).
۴۹. فصلنامه حکومت اسلامی، ش ۳۱، ص ۱۳۴، (به نقل از عدل الهی، ص ۳۸).
۵۰. رک: نساء ۶۲ مائده، ۴۵ و ۸ نساء، ۱۲۵.
۵۱. رک: سوره نمل، ۷۶؛ آل عمران، ۲۱.
۵۲. رک: سوره نساء، ۶۰ مائده، ۴، ۴۸ و ۸.
۵۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱.
۵۴. تحف العقول، ص ۱۹۸؛ محمد دشتی، فرهنگ سخنان امام حسین (ع) ج ۶، ص ۳۰۷.
۵۵. حذیه، ۲۵.
۵۶. نور، ۵۵.
۵۷. نشریه موعود (ماهنامه ش ۲۸، ص ۱۶ (مهدی نصیری).
۵۸. روزنامه رسالت، ش ۵۳۵۷، ص ۱۶.
۵۹. رک: مدیریت از منظر کتاب و سنت، ص ۴۸۹.
۶۰. همان، ص ۳۹۰ و ۴۹۱.
۶۱. مائده، ۹.
۶۲. نعمانی، الغیبه، ص ۳۱۹؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۲۶۵.
۶۳. الکافی، ج ۸، ص ۳۴۱؛ بحارالانوار ج ۵۲، ص ۳۳۶؛ منتخب الاثر، ص ۶۰۷.
۶۴. بیان الائمه، ج ۳، ص ۱۶۹ (به نقل از کمال الدین و تمام النعمه).
۶۵. منتخب الاثر، ص ۵۹۷، ج ۳ (به نقل از غایه المرام).
۶۶. همان، ص ۵۸۵ (به نقل از المحجة ما نزل فی القائم الحجة).
۶۷. همان، ص ۶۰۷.
۶۸. گری دسلر، مبانی مدیریت، ترجمه داوود منفی، ص ۱۷۳.
۶۹. همان ص ۱۷۴.
۷۰. عمید زنجانی، ماهنامه ناظر، ش ۱۲، ص ۶.
۷۱. نهج البلاغه، نامه ۵۰.
۷۲. همان، خطبه ۳۴.
۷۳. مدیریت از منظر کتاب و سنت، ص ۴۶۳.
۷۴. همان صص ۴۶۴ - ۴۷۰.
۷۵. همان صص ۴۷۰ - ۴۷۳.
۷۶. الزام الناسب، ص ۲۱۵؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۷.
۷۷. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۳؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۳.
۷۸. نعمانی، الغیبه، ص ۱۴۴؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۰۱.
۷۹. منتخب الاثر، ص ۶۰۷ عن الکافی.. عن ابی جعفر (ع) قال: «اذاقم قائمنا وضع الله یده علی رؤوس العباد فجمع بها عقولهم و کملت و کملت به احلامهم».
۸۰. منتخب الاثر، ص ۶۱۲ (به نقل از دلائل الامامة).
۸۱. همان، ص ۶۱۳.
۸۲. مائده، ۴۴.